

مسدودسازی روند صلح:

(جغرافیا و هیدروپلیتیک، تأثیر آن بر مناقشه اسرائیل-فلسطین)

محسن سلطانی^۱

معصومه محمدی^۲

حامد جاوید تهرانی^۳

چکیده

از زمان تأسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸، کشمکش بر روابط بین‌المللی در خاورمیانه چیره شده است. هجوم شهروندان اسرائیلی، مالکان سابق فلسطینی را آواره و درگیری‌ای را ایجاد کرده که در جهان به عنوان نزاع اسرائیلی-فلسطینی شناخته می‌شود. درحالی‌که گفتمان رایج در رسانه‌ها و ادبیات، مربوط به مناقشه زمین و نفت است، این مطالعه به یک منبع اصلی دیگر که عمدتاً در مطالعات خاورمیانه نادیده گرفته شده است نگاه می‌کند. دسترسی به آب شیرین به‌طور مؤثری باعث تداوم درگیری‌های خاورمیانه بین اسرائیل و همسایگان عرب خود شده است و همچنان امروزه منبع نارضایتی را فراهم می‌کند. این مطالعه استدلال می‌کند که سیاست‌های آبی اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی کرانه باختری و غزه اساساً فلسطینیان را بدون دسترسی کافی و یا ظرفیت کافی برای به دست آوردن منابع آب شیرین رها کرده است. دولت اسرائیل با بازیگری در یک تئاتر از آرمان‌های واقع‌گرایانه بر اساس بقای دولت و نادیده گرفتن قوانین بین‌المللی، به‌طور مؤثری نابرابری و بی‌ثباتی را در سرزمین‌های اشغالی به وجود آورده است. دولت با غفلت مداوم از مسئله فلسطین و حقوق آن‌ها برای قوانین آبی مناسب، روند صلح را مسدود و بدین گونه مانع تلاش‌های آینده در راستای صلح پایدار و ثبات در منطقه می‌شود.

واژگان کلیدی: صلح، هیدروپلیتیک، اسرائیل، فلسطین.

۱. دکترای جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، مدرس مدعوی گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد. (نویسنده مسئول)
sorena_698842@yahoo.com

۲. کارشناسی جغرافیا، کارمند آموزش و پرورش شهرستان نیشابور.

۳. کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

* این مقاله ترجمه مقاله‌ای به همین نام از اندرو گادلوسکی، در مجله امور اقلیت‌های مسلمان، جلد ۳۰، شماره ۲، ژوئن ۲۰۱۰ می‌باشد.

۱. مقدمه

از زمان تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸، پس از جنگ ۱۹۶۷ اعراب-اسرائیل، اسرائیل توسط جامعه بین‌المللی برای محروم کردن مردم فلسطین از سرزمین، منابع و حقوق اساسی انسانی، متهم واقع شده است. این درگیری با میزان بالای تلفات غیرنظامی و نظامی هر دو طرف، مشخص شده و با تلاش‌ها و راه‌حل‌های مختلفی برای ایجاد صلح مواجه بوده است. نفت و زمین رایج‌ترین موانع بر سر راه صلح در منطقه هستند و اکثریت قریب به اتفاق از نظرات در مورد مناقشه خاورمیانه را تشکیل می‌دهند. با این حال، در زیر سطح، مسائل دیگری که به خوبی شناخته شده نیستند، به‌طور مؤثری مانع از تلاش‌های صلح برای این منازعه می‌شوند.

کمبود آب در اسرائیل به عنوان مانعی بزرگ برای صلح در مناقشه اسرائیل-فلسطین در خاورمیانه عمل می‌کند. از زمان اشغال اسرائیل بر کرانه باختری و غزه، سیاست‌های آن ریشه در حفظ حقوق آب دولت یهودی به هزینه فلسطین داشته است. اسرائیل به‌طور مؤثری کنترل بیش از ۸۰ درصد منابع آب شیرین کرانه باختری را به دست گرفته و فلسطینیان را مجبور کرده است که از خدمات آب شیرین خود استفاده کنند. بدون تغییر قابل توجه در سیاست اسرائیل در سال‌های آینده، امیدها در جهت دستیابی به صلح مورد تردید می‌باشد. برای اسرائیلی‌ها پذیرفتنی نیست در شرایطی که حقوق آب فلسطینی‌ها در منطقه تحت کنترل خود را تحت نظر قوانین بین‌المللی قرار می‌دهند، خواستار صلح شوند. علاوه بر آن، گسترش اسکان غیرقانونی در کرانه باختری، آب‌های تازه بیشتری را تحت کنترل اسرائیل قرار می‌دهد و بدین ترتیب مشکل را تداوم می‌بخشد.

این مطالعه به بررسی کمبود آب در کل منطقه پرداخته است و اینکه چگونه سیاست‌های آبی بر سیاست‌های دولت اسرائیل و سرزمین‌های فلسطینی تأثیر می‌گذارد. به‌طور خلاصه دلایل اساسی مناقشه اسرائیل-فلسطین را توضیح می‌دهد و اقدامات مهم صلح که از سال ۱۹۹۳ آغاز شده است را شرح می‌دهد. این مطالعه به بررسی کاربرد رئالیسم و سیاست‌های قدرت در مناقشه می‌پردازد. هدف اولیه نشان دادن این موضوع است که چگونه سیاست‌های اسرائیل در ارتباط با منابع آب شیرین، مانع روند صلح و باعث تداوم خشونت و اختلافات بین اسرائیلی‌ها و فلسطینیان می‌شود. علاوه بر این، این مطالعه به‌طور خلاصه به نقش ایالات متحده و حمایت آن از سیاست‌های اسرائیل در منطقه می‌پردازد. از طریق استفاده از آنچه که مرشایمر و والت به عنوان «لابی اسرائیل» به آن اشاره می‌کنند (مرشایمر و والت، ۲۰۰۷)، آمریکا به اسرائیل اجازه داده است به تصرف آب و زمین فلسطین ادامه دهد و درعین حال به آن‌ها کمک مالی برای تداوم نابرابری‌ها را می‌دهد. این تحقیق با ارائه پیشنهادها و راه‌حل‌های سیاسی محتمل که می‌تواند امیدها برای صلح در منطقه را از لحاظ تخصیص آب شیرین به فلسطین افزایش دهد، پایان می‌یابد. اهمیت این مطالعه بررسی جنبه‌ای از مناقشه اسرائیل-فلسطین است که امروزه به‌طور

گسترده‌ای مورد بحث اندیشمندان جهان قرار نمی‌گیرد. به‌طور معمول، زمین، نفت و مذهب به عنوان مانع اصلی صلح و تغذیه‌کننده منازعات در خاورمیانه شناخته می‌شوند. این بررسی درباره منازعه، اهمیت منابع دیگر که تقویت‌کننده خصومت و مانع احتمال صلح هستند را نشان می‌دهد. آب یک منبع ضروری برای زندگی است و از اهمیت زیادی در منطقه خشک خاورمیانه برخوردار است. این امر به ویژه بر زندگی فقرا که معمولاً از امتیازات آب محروم هستند، سبب احساس خشم و رنجش شده و منجر به درگیری می‌شود. این مطالعه با بررسی سیاست‌های آب منطقه، استدلال می‌کند که فلسطینی‌ها توسط دولت اسرائیل از حقوق خود برای آب محروم شده‌اند. با توجه به منبعی که معمولاً توسط دانشمندان آشکار شده، امیدواریم یک راه‌حل بالقوه توسط دولت اسرائیل پیدا شود که قادر باشد مذاکرات برای صلح در خاورمیانه را آغاز کند.

۲. روش تحقیق و محدودیت‌های مطالعه

روش‌شناسی مورد استفاده در این مطالعه برای توسعه پایان‌نامه، نگاه رئالیستی و چگونگی اعمال آن بر سیاست‌های آبی اسرائیل خواهد بود. اسرائیل کشوری است که کاملاً توسط دشمنان احاطه شده است. این امر به صورت روزانه باعث ایجاد حس «همه دشمن پنداری» و ترس از تخریب برای اکثر مردم اسرائیل می‌شود. به همین دلیل، دولت اسرائیل همیشه مراقب خود است و برای افزایش امنیت و قدرت در منطقه تلاش می‌کند. اسرائیل با به دست آوردن جای پای قوی‌تر در منطقه و کاهش قدرت کشورهای اطراف آن، از سیاست‌های رئالیستی برای تضمین بقای خود استفاده می‌کند. واقع‌گرایی کلاسیک به آموزه‌های هانس مورگنتا نسبت داده می‌شود. فرضیه اصلی این نظریه این است که دولت‌ها در یک جهان هرج‌ومرج عمل می‌کنند که در آن کشورهای مستقل بازیگران اصلی روابط بین‌الملل هستند. کشورها از طریق کسب منابع و تقویت قدرت اقتصادی و نظامی، برای محافظت از منافع ملی عمل می‌کنند. واقع‌گرایی معتقد است که هیچ جایی برای اخلاق در روابط بین‌المللی وجود ندارد و در عوض هدف نهایی، زنده ماندن بدون توجه به هزینه‌های همسایگان می‌باشد. (مورگنتا، ۱۹۷۸: ۸). این تحقیق بیشتر به‌واقع‌گرایی تهاجمی (منسوب به جان مرشایمر) (مرشایمر، ۲۰۰۱)، به عنوان مبنای سیاست اسرائیل در تلاش‌های بی‌وقفه خود برای سرقت زمین و منابع آب فلسطین به شیوه‌ای تجاوزکارانه می‌پردازد.

همچنین از محدودیت‌هایی که در این مطالعه می‌تواند مورد بحث قرار گیرد آن است که نسبت به وضعیت فلسطینیان جانبدارانه است. استدلال‌ها برای گرفتن زمین و آب اسرائیل مسلماً به اهداف بقا گره خورده است. اسرائیلی‌ها نیز در کنار این داستان هستند و این موضوع به‌طور کامل در این مقاله بررسی نشده است. استفاده از نظریه‌های رئالیستی فوق به بررسی سیاست‌های آب و تأثیر آن بر منازعه

اسرائیل و فلسطین بستگی دارد. سیاست‌های اسرائیل از زمان تشکیل دولت در سال ۱۹۴۸ پیرامون اهداف افزایش قدرت خود در منطقه بوده است. دولت اسرائیل تنها کشور غیرعربی خاورمیانه هست که بشدت نگران دورنمای امنیت و بقای خود است. برخی کشورها از قبیل ایران، سوریه و احزابی در لبنان (حزب‌الله) تمایل دارند کاملاً اسرائیل را از روی نقشه پاک کنند. بدون تردید، برخی گروه‌ها در سرزمین‌های اشغالی، به ویژه حماس و جهاد اسلامی، احساس می‌کنند که اسرائیل آن‌ها را از قلمرو خود محروم کرده است و همچنین می‌خواهد کشور را به‌طور کامل نابود کند. به همین دلایل، اسرائیل دائماً تلاش می‌کند اقدامات امنیتی ملی در خاورمیانه ایجاد کند. اسرائیل با استفاده از نظریه‌های رئالیستی کلاسیک، به افزایش قدرت در خاورمیانه تمایل دارد.

۳. یافته‌های تحقیق

۳-۱. برهم زدن روند صلح

کمبود کنونی آب شیرین در خاورمیانه، شکاف بزرگتری را بین اعراب و یهودیان در منطقه ایجاد کرده و از این رو به تداوم درگیری‌های اسرائیل-فلسطین منجر شده است. این تداوم در درجه اول ناشی از استفاده نادرست از سیاست‌های آبی هست که از سوی دولت اسرائیل در یک زمینه رئالیستی مورد استفاده قرار گرفته است. دولت اسرائیل به‌طور مؤثری در حال مصادره منابع آبی که متعلق به فلسطینیان و تحت قوانین بین‌المللی هست برای استفاده خودشان می‌باشد. استدلال‌هایی مبنی بر این هست که چنین سیاست‌هایی احتمالاً برای وادار کردن ساکنان فلسطینی کرانه باختری و غزه توسط روش‌هایی غیرنظامی تدوین شده‌اند. یافته‌ها و تحلیل زیر چنین ادعایی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند و بررسی می‌کنند که چگونه سیاست‌های آبی که توسط دولت اسرائیل مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانع تلاش‌ها برای ایجاد فرآیند صلح احتمالی در خاورمیانه می‌شود. (<http://desip.igc.org>).

۳-۲. زمینه تاریخی سیاست‌های آب در خاورمیانه

برای درک کامل وضعیت هیدروپلیتیکی کنونی در اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی، باید یک پیش‌زمینه تاریخی کوتاه ارائه شود. بعد از جنگ اعراب-اسرائیل در ۱۹۴۸، در سپتامبر ۱۹۵۱، دولت اسرائیل پروژه‌ای تحت عنوان «حامل آب ملی» را آغاز کرد. این یک برنامه ضربتی توسط ارتش اسرائیل و شرکت‌های خدماتی بود که تمام وقت کار می‌کردند تا جریان آب از رودخانه اردن را منحرف کنند. مشکل این طرح این بود که غیرقانونی بود؛ آب در امتداد منطقه غیرنظامی در امتداد مرز سوریه منحرف شد. رئیس‌جمهور آمریکا «دوایت آیزنهاور» با درک خطرات این طرح آبی در ایجاد درگیری در منطقه، اریک جانستون را به عنوان نماینده ویژه در خاورمیانه معرفی کرد. جانستون با همکاری اعراب و اسرائیلی‌ها، طرحی را برای کاهش تنش‌ها به وجود آورد. این طرح ۳۳ درصد از جریان آب رود اردن را

به دولت اسرائیل اختصاص داد، با وجود آنکه تنها ۲۳ درصد از آب رود اردن از خاک اسرائیل جاری بود. آیزنهاور بر این باور بود که آب شیرین برابر، در ایجاد صلح پایدار بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها در خاورمیانه ضروری است. این طرح به شکست منتهی شد چون نه اسرائیل و نه سوریه نتوانستند به توافق قطعی در مورد انشعاب جریان آب اردن برسند. با این حال، برنامه جانستون در اولین گفتمان بین‌دولتی بین آمریکا و اسرائیل، در شناسایی تخصیص مساوی آب به عنوان پیش‌شرط صلح در خاورمیانه، معرفی شد. بلکه به دنبال عملیات نظامی اسرائیل که به قتل‌عام «کیبیا» واقع در کرانه باختری منجر شد، قطع شد. دو سال بعد این پروژه بدون فشار آمریکا از سر گرفته شد و تا ۱۹۶۰ تکمیل شد.

۳-۳. اثرات جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ بر منابع آب شیرین

مالکیت بزرگترین منابع آبی برای اسرائیل، در طول جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ تصاحب شد. (شمس، ۲۰۰۴: ۳۲). دولت سوریه با نقض قوانین بین‌المللی توسط اسرائیلی‌ها مواجه شده بود. سوریه همراه با اتحادیه عرب احساس کرد که اسرائیل برای گسترش جمعیت و پایان دادن به مشکل فلسطین، آب را به «صحرای نقب» منحرف می‌کند. حزب بعث سوریه در سال ۱۹۶۱ اعلام کرد که آن‌ها باید به اجبار اسرائیل را از انحراف رود اردن باز دارند تا از فراموشی مشکل فلسطین جلوگیری کنند. هم‌زمان با ظهور ناسیونالیسم عربی و ظهور جمال عبدالناصر در مصر، مسئله آب تبدیل به یک مانع آشکار برای صلح در منطقه شد. (بلیز، ۲۰۰۹). سوری‌ها در ابتدا از بحث درباره اقدام نظامی اجتناب می‌کردند. علاقه ناصر به نابودی دولت اسرائیل و ایجاد یک امپراتوری پان عربی به خوبی با رهبری حزب بعث در دمشق همخوانی نداشت. با این حال همچنان که اسرائیل به انحراف غیرقانونی آب از دریای جلیله به بیابان نقب ادامه می‌داد، اتحادی برای اقدام نظامی بین جوامع عرب تشکیل شد. پس از دو نشست اتحاد عربی در ژانویه ۱۹۶۴ و در سپتامبر همان سال نقشه‌های ناصر برای حمله به اسرائیل و پایان دادن به انحراف آب از رودخانه اردن طراحی شدند. همچنین شایان‌ذکر است که این نشست‌های سران عربی منجر به ایجاد یک مرجع دولتی برای ایجاد نظم در فلسطین و مقاومت در برابر اشغال اسرائیل شدند. سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) به دنیا آمد و وظیفه داشت مطالبات مشروع خود را نسبت به منابع آب در کرانه باختری به دست بیاورد.

۳-۴. اولین جنگ آب

جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ به‌طور مؤثری توسط کشورهای عربی بر سر منابع آب انجام شد. آن‌ها اسرائیل را تهدیدی برای توازن قدرت در خاورمیانه دانستند و به اتفاق آرا به این نتیجه رسیدند که جنگ برای حفاظت از منابع آب اردن و بقای مردم فلسطین اجتناب‌ناپذیر و ضروری است. آنچه که تهدیدات اتحاد عربی از لحاظ جنگ به دنبال داشت، برای موجودیت آن‌ها دردناک بود. ارتش اسرائیل به نیروی هوایی مصر حمله پیشدستانه کرد و منطقه را به جنگ ۶ روزه هدایت نمود. (شمس، ۲۰۰۴: ۱۳). با توجه به

برتری ارتش اسرائیل، همراه با توان نظامی متحدان خود در ایالات متحده، این کشور تصرفات ارضی خود را گسترش داد. هنگامی که گرد و غبار جنگ نشست، اسرائیل به طور مؤثری کنترل شبه جزیره سینا، کرانه باختری، بلندی‌های جولان و نوار غزه را به دست گرفت. اگرچه آن‌ها سرانجام سینا را به مصر (بعد از پیمان صلح ۱۹۷۹ اسرائیل-مصر) عودت دادند، با در نظر گرفتن بلندی‌های جولان و کرانه باختری، اسرائیل قابلیت خود را برای انحراف مؤثر رودخانه اردن و فراهم آوردن آب شیرین برای جمعیت اسرائیل در سال‌های آینده تضمین کرده است. (همان).

حکم نظامی شماره ۹۲ (که پس از جنگ ۶ روزه اعلام شد) به طور مؤثری کنترل کامل منابع آب شیرین در سرزمین‌های اشغالی را به دولت اسرائیل اعطا کرد. این حکم نشان داد که تمام منابع آب در غزه و کرانه غربی دارایی دولتی هستند، تمامی داده‌های آب طبقه‌بندی شده و برای لغو کلیه قراردادهای قبلی مربوط به حفاری چاه‌های جدید اقدام شده است. دستورات نظامی بعدی (شماره ۱۵۳ و شماره ۲۹۱) اقتدار اسرائیل را بر کرانه باختری افزایش و کنترل کامل همه عملیات حفاری در منطقه را به آن‌ها داد. (همان: ۱۸). این دستورها به طور مؤثری کنترل کامل بر استفاده از منابع آب و نیز دسترسی به منابع آب در سرزمین‌های اشغالی را برای سال‌های آینده به دولت اسرائیل داده است. اسرائیل به منظور تحکیم قدرت خود و در نهایت زنده ماندن در منطقه بی‌ثبات، مجبور است به صورت تهاجمی قدرت را از سرزمین‌های اطرافش تصاحب کند. (ایزوروف، ۲۰۰۱: ۵). در این مثال، قدرت به عنوان اکتساب منابع آب شیرین تعریف شده است. مقامات دولتی اسرائیل می‌توانستند به وضوح در برنامه‌های خود برای بقا شاهد یک مشکل باشند: منطقه به سرعت در حال تجربه کاهش جریان آب شیرین بود. به منظور اطمینان از اینکه دولت اسرائیل می‌تواند در میان کشورهای همسایه دشمن دوام بیاورد، اقدامی جدی باید انجام می‌شد. درست است که آب تنها دلیل جنگ اعراب و اسرائیل نبود، اما مطمئناً یکی از عوامل تلاش اسرائیل برای افزایش قدرت و دفاع از منافع ملی خود بود. (تروتیر، ۲۰۰۷: ۱۱۷).

۳-۵. منابع آب شیرین و روند صلح

قبل از بحث بیشتر، باید توضیحی درباره منابع آب تحت کنترل اسرائیل ارائه شود. دو منبع عمده آب شیرین در اسرائیل و مناطق اشغالی وجود دارد. اول، آب‌های سطحی است که به رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و حوضه‌ها اشاره دارد که جریان آب شیرین را برای یک منطقه فراهم می‌کنند. در این مورد، مهم‌ترین منابع آب سطحی عبارت‌اند از رود اردن، لیتانی، یرموک، هابانی و رودخانه‌های بانیا و دریاچه تیبیریا. منبع دوم آب شیرین از منابع آب‌های زیرزمینی سرچشمه می‌گیرد که به سفره‌های آبی در امتداد ساحل و زیر سطح کرانه باختری، در طول خطوط آتش‌بس سال ۱۹۶۷ و در امتداد خط ساحلی دریای مدیترانه در نوار غزه و اسرائیل برمی‌گردد. این منابع آب، منابع عمده آب شیرین هستند که اسرائیل امیدوار است به هزینه فلسطینی‌ها بدان دسترسی پیدا کند. اسرائیل یک سوم منابع آب شیرین

خود را از آبخوانی به عرض ۳۵ کیلومتر و طول ۱۰۳ کیلومتر که از دریای مرده تا رود اردن گسترده است، دریافت می‌کند. این تمام آبخوانی است که فلسطینیان در کرانه باختری در اختیار دارند. چاه‌ها قبل از جنگ ۱۹۶۷ حفر شد تا اسرائیل را تأمین کند و امروز این مسئله یک منبع مشاجره است که آیا فلسطینی‌ها می‌توانند به‌طور گسترده تأمین کنند یا نه. یک‌سوم دیگر جریان آب اسرائیل توسط رودخانه اردن تأمین می‌شود. یک منبع مشاجره در اینجا بهره‌برداری اسرائیل از سرچشمه رود اردن یعنی دریای جلیله است که مستقیماً بر سوریه، لبنان و اردن تأثیر می‌گذارد.

از نظر تاریخی نابرابری‌های واضحی در دسترسی به منابع آب در سرزمین‌های اشغالی وجود دارد. این نابرابری‌ها در درجه اول توسط حملات نظامی ارتش اسرائیل ایجاد شده‌اند. (آلبین، ۱۹۹۹: ۳۴۹). از زمان جنگ ۱۹۶۷، امیدها برای ایجاد صلح پایدار به وجود آمد و با این حال این امیدها تا زمانی که تحقق یابد باقی خواهد ماند. در حال حاضر بیشتر، دلیل اصلی این شکست در روند صلح مورد بررسی قرار خواهد گرفت، نگاه دقیق به سیاست‌های آبی اسرائیل و اینکه چگونه از قدرت مذاکره برای قرار دادن فلسطینی‌ها در یک نقطه‌ضعف آشکار استفاده کرده است.

بین سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۸۷، جمعیت فلسطینی در کرانه باختری ۸۴ درصد رشد داشته است. در همین دوره زمانی، مقدار منابع آبی در دسترس برای مصارف خانگی تنها ۲۰٪ افزایش یافت. این نشان‌دهنده تناقض آشکار در سیاست اسرائیل نسبت به کرانه باختری پس از حکم نظامی شماره ۹۲ است. (لین، ۲۰۰۰: ۶۸).

۳-۶. روند اسلو

اگرچه فرایند اسلو در سال‌های اخیر به عنوان یک شکست مورد انتقاد قرار گرفته است اما همچنان پایه و اساسی برای مذاکرات صلح بیشتر می‌باشد. مذاکراتی که در سال ۱۹۹۳ در اسلو شروع صورت گرفت، مراجعات فراوانی را به منابع آب شیرین خاورمیانه و چگونگی تخصیص آن‌ها برای ایجاد صلح داشته است. در این توافقنامه‌ها مشخص شد که روند صلح باید شامل مفادی باشد که "استفاده عادلانه از منابع آب مشترک" را برای اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها تعیین کرده است. (آلبین، ۱۹۹۹: ۳۴۹). با این حال، به دلیل ناتوانی دولت اسرائیل در مذاکره درباره این موضوع، کار کمی در حل مسئله منابع آب برای فلسطینی‌ها انجام شد. این امر وابستگی اسرائیل به آب را در منطقه تأیید می‌کند. آن‌ها ترجیح می‌دهند که جنگ فعلی را به جای موافقت با انصراف از جریان آب شیرین ارزشمند در یک کنفرانس صلح که ممکن است بقای آن‌ها را تهدید کند ادامه دهند. (همان: ۳۵۰).

دوره موقت و مذاکرات بعدی اسرائیل-سازمان آزادی‌بخش فلسطین، در نهایت فرصتی را برای حل مسئله تأمین آب فلسطینیان در میدان بازی‌های دیپلماتیک فراهم کرد. (همان: ۳۵۱). از همان ابتدا،

اسرائیل اعلام کرد که این مسئله دارای ماهیت بشردوستانه بوده و نباید تا مرحله نهایی مذاکرات حل شود.

اسلو ۲ و کمیسیون مشترک آب

سرانجام در ۱۹۹۵ در «تابا» و در موافقتنامه اسلو ۲، امتیازات توسط اسرائیل داده شدند. توافقنامه اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین که در ماه سپتامبر امضا شده بود، امیدهایی به فلسطینیان داد. آن توافقنامه یک کمیسیون مشترک آب در کرانه باختری برای حفاری چاه‌های جدید برای فلسطینی‌ها ایجاد کرد. (همان). با این حال، این امتیازات کمترین بود، زیرا آن‌ها فقط مجاز به حفاری در آب‌های زیرزمینی شرقی بودند که به‌طور کامل مورد بهره‌برداری قرار نگرفت. آبخوان غربی، که آگاهانه مقدار زیادی آب شیرین در خود جای داشت باید توسط فلسطینی‌ها دست نخورده باقی بماند. هیچ امتیازی به فلسطینی‌ها برای دسترسی به جریان رود اردن داده نشد گرچه این به عنوان موضوع ناخرسندی باقی ماند. (لین، ۲۰۰۰: ۶۸). مباحثات نوشته‌های علمی مختلف، به بسیاری از مشکلات موجود در ایجاد کمیسیون مشترک آب اشاره دارد. از آنجا که کمیسیون مشترک آب بر اساس اجماع عمل می‌کند و اسرائیلی‌ها نیمی از نمایندگان را تشکیل می‌دهند، کمی نگرانی متوجه فلسطینیان شده است دولت اسرائیل از کمیسیون مشترک آب برای باز کردن گفتگو با تشکیلات خودگردان فلسطین (دولت کنترل‌کننده کرانه غربی) استفاده می‌کند و از این طریق سیاست‌های آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد. (چامسکی، ۱۹۹۶). بنابراین یک حس مشروعیت به وجود می‌آید که در آن اسرائیلی‌ها از کمیسیون مشترک آب به نفع خود استفاده می‌کنند بدون اینکه هیچ‌گونه امتیازات واقعی به فلسطینی‌ها بدهند.

در اسلو ۲، اسرائیل و مهاجرانی که در کرانه باختری زندگی می‌کردند، مدعی اختصاص بیش از ۵ ششم از کل آب فلسطین به خود شدند. مردم فلسطین مجبور شدند در شرایط غیرقابل‌تصور زندگی کنند درحالی‌که همسایگان یهودی آن‌ها، یعنی همسایگان غیرقانونی‌شان، با میانگین دسترسی بالایی به منابع آب زندگی می‌کردند. این توافقنامه همچنین تصریح کرد که امکان دسترسی فلسطینیان به منابع آبی جدید از طریق حفاری چاه‌های جدید فراهم خواهد شد. اسلو ۲ اعلام کرد که سهمیه فلسطینی‌ها برای پمپاژ آب شیرین از کف آبخوان، حذف خواهد شد. این تعرفه‌ها در سال ۱۹۷۵ برای جلوگیری از پمپاژ به اجرا در آمد. با این حال، از زمان امضای توافقنامه‌ها، سیاست اسرائیل مشکلات فلسطینی‌ها را در حفاری افزایش داده و محدودیت‌های بیشتری بر روی سهمیه‌های آب برقرار کرده است. (لین، ۲۰۰۰: ۶۸). اسرائیلی‌ها حق استفاده از اختیار وتو بر هرگونه قانون فلسطینی را دارند که ممکن است منافع اصلی اسرائیل را به خطر اندازد. چرا که قدرت برتر را دارند. فراتر از این، با قرار دادن خدمات آب فلسطینی تحت کنترل «مکروت»، شرکت ملی آب اسرائیل، اسرائیلی‌ها زوال رفتن شبکه‌های آب فلسطینیان را نادیده می‌گیرند و از این طریق مشکل را افزایش می‌دهند. پیمان اسلو ۲ تغییر واقعی در

سیاست‌های آب اسرائیل در خاورمیانه به ارمغان نیاورد. نتیجه این فرآیند بیان داشت که هر دو طرف توافق دارند که مدیریت منابع آب و فاضلاب و سیستم‌های کرانه باختری را در طول دوره موقت هماهنگ کنند. این مسئله اساساً همان وضعیت دقیق تخصیص آب قبل از اسلو را حفظ می‌کند و نمونه‌ای درخشان از چگونگی امتناع اسرائیل از رسیدگی به نیازهای مردم فلسطین در ازای حفظ منافع ملی خود، فراهم می‌کند.

۳-۷. اختلاف در دسترسی به آب شیرین

مصرف آب شیرین از سفره‌های زیرزمینی کرانه باختری، برای مهاجران اسرائیلی سه تا پنج برابر بیشتر از فلسطینی‌ها است. اسرائیلی‌ها ۴۹۰ میلیون مترمکعب از آبخوان برداشت می‌کنند درحالی‌که فلسطینی‌ها تنها ۱۱۰ میلیون مترمکعب دریافت می‌کنند. این مسئله فلسطینی‌ها را در معرض خطر متمایز قرار داده و آن‌ها مجبور به خرید آب از حامل‌های خارجی می‌کند. هزینه فلسطینی‌ها برای استخدام پیمانکاران خصوصی به منظور تأمین آب شیرین شهرهایشان ۱۵ برابر اسرائیلی‌ها هست. (مک کالین، ۲۰۰۲: ۲۰). این مسئله عمدتاً به خاطر این واقعیت است که دولت یارانه خرید آب اسرائیل را تأمین می‌کند. فلسطینی‌ها هزینه مشابهی را برای جاری شدن آب به خانه‌هایشان مانند اسرائیلی‌ها پرداخت می‌کنند. درحالی‌که درآمد متوسط برای اسرائیلی‌ها به میزان قابل‌توجهی بالاتر است. تولید ناخالص داخلی سرانه آن‌ها تقریباً ۱۲ برابر بیشتر از درآمد فلسطینیان است. (تروتیر، ۲۰۰۷: ۱۲۰). این مسئله مردم فلسطین را به یک معضل متمایز و آشکار دچار می‌کند. «یونس محمد عبدالجبارین» از هبرون در کرانه باختری، وضعیت زندگی در منطقه اشغال شده اسرائیل را خلاصه می‌کند:

(اغلب ما برای ۱۰ تا ۲۰ روز آب نداشتیم. در چنین شرایطی، همسر و دختران من از همسایگان خود درخواست آب می‌کنند، اما آن‌ها تنها می‌توانند به اندازه کافی برای نوشیدن و پخت‌وپز ذخیره کنند. در مورد شستن، ما عادت داشتیم که یک‌بار در پنج تا هفت روز دوش بکشیم. وضعیت غیرقابل تحمل است، به خصوص در تابستان.)

محدودیت حفاری که توسط دولت اسرائیل تصویب شده، نشان‌دهنده یک نابرابری واضح از نظر روابط تجاری بین دو طرف هست که به ایجاد تنش بین گروه‌ها در کرانه غربی منجر شده است. شاید اگر اسرائیل بتواند به فلسطینیان کمک‌هزینه بدهد یا برخی حمایت‌ها را برای کسانی که مجبور به خرید آب از پیمانکاران هستند، فراهم کند، این موضوع ممکن است برابرتر شود. با این حال، دولت نتوانسته به‌طور مؤثری نگرانی‌های مردم فلسطین را به نفع حمایت از مردم خود و منافع ملی، رفع کند. مطالعات نشان می‌دهد که ۴۰ درصد آب در حال عبور از طریق لوله‌های متصل به خانه‌های فلسطینی، به علت نشت از دست رفته است. اسرائیل از نگهداری شبکه‌های لوله‌کشی برای تأمین فلسطینی‌ها اجتناب می‌کند درحالی‌که به‌طور معمول از لوله‌های اتباع خود محافظت می‌کنند. پیمان صلح اسرائیل-اردن در سال

۱۹۹۴، به دستیابی به حل و فصل جامع و پایدار تمام مشکلات آب در خاورمیانه اشاره کرد. با این حال، این معاهده هیچ اشاره‌ای به دسترسی فلسطینیان به آب نکرد. اگرچه ممکن است به نظر برسد اسرائیل در مذاکرات جامع صلح با جهان عرب، فلسطینی‌ها را از مذاکرات صلح حذف کرده است. این امر خصوصاً با توجه به مجاورت کرانه باختری با رودخانه اردن تعجب‌آور است. حذف فلسطینی‌ها از مذاکرات صلح، بی‌توجهی شدید اسرائیلی‌ها به کمبود منابع آب در سرزمین‌های اشغالی را نشان می‌دهد. (فردریکسن، ۲۰۰۳: ۷۲).

علاوه بر سیاست‌های آبی مختلف اسرائیل که نابرابری، منازعه، و شرایط غیرانسانی را در سرزمین‌های اشغالی تداوم بخشیده، پیشنهاد یک دیوار حائل جدید، بیشتر مانع دسترسی فلسطینیان به آب خواهد شد. دیوار پیشنهادی منجر به نابودی بیش از ۳۰ چاه در مناطق اشغالی می‌شود که معادل ۴ میلیون مترمکعب آب در سال است. این امر منجر به از بین رفتن بیش از ۱۸ درصد از منابع آب شیرین فلسطین در آبخوان غربی می‌شود. (همان). این دیوار حائل نشان‌دهنده تداوم سیاست‌های اسرائیل و مبارزه آن‌ها برای افزایش قدرت در سرزمین‌های اشغالی است. در یک زمینه واقع‌گرایانه تهاجمی، دولت اسرائیل به‌طور مداوم سیاست‌هایی را که به مشکلات آب شیرین آن‌ها (فلسطینیان) کمک می‌کند، اجرا می‌کند.

۳-۸. قوانین بین‌المللی و سیاست‌های آبی اسرائیل

در طول این مطالعه، بررسی‌ای در ارتباط با سرقت اسرائیل از منابع آب شیرین صورت گرفته است. عنصر بعدی که باید مورد توجه قرار گیرد، قوانین بین‌الملل و مناطقی است که دولت اسرائیل برخلاف چنین قوانینی عمل کرده است. امروزه، مباحث فراوانی در مورد آب به عنوان یک حق انسانی در محافل آکادمیک وجود دارد. قانون اساسی دولت اسرائیل شهروندان خود را با مجموعه‌ای از قوانین اساسی حمایت می‌کند که توسط قوه مقننه مورد تأیید و تصویب قرار می‌گیرد. قانون اساسی به‌طور مؤثری دو نوع شهروندی را برای مردم اسرائیل، (شهروندان اسرائیلی و شهروندان یهودی) ایجاد می‌کند. حقوق کامل (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) تنها به یهودیان اعطا می‌شود. فلسطینیان به دلایل مذهبی واجد شرایط این طبقه‌بندی نیستند. با این حال، این قانون به‌طور خودکار در تناقض با قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل متحد (فصل ۳ آن) است که به صراحت می‌گوید:

شهروندان فلسطینی ساکن فلسطین در خارج از شهر اورشلیم و همچنین اعراب و یهودیانی که بدون تابعیت فلسطین، در خارج از شهر اورشلیم اقامت دارند، به محض به رسمیت شناختن استقلال، به شهروندان کشوری تبدیل می‌شوند که در آن ساکن هستند و از حقوق کامل مدنی و سیاسی برخوردارند. افراد بالای هجده سال ممکن است در عرض یک سال از تاریخ به رسمیت شناختن استقلال کشوری که در آن ساکن هستند، برای شهروندی دولت دیگری تصمیم‌گیری کنند، در صورتیکه هیچ

عرب ساکن در منطقه مطرح شده دولت عربی، حق انتخاب شهروندی در دولت یهودی پیشنهاد شده را ندارد و هیچ یهودی ساکن در دولت یهودی مطرح شده، حق انتخاب شهروندی در دولت پیشنهادی عرب را ندارد. استفاده از این حق انتخاب شامل زنان و کودکان زیر ۱۸ ساله می‌شود. (www.mfa.gov.il)

۳-۹. سیاست‌های آبی اسرائیل: بی‌توجهی به قوانین بین‌المللی

قطعنامه شماره ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد به اتفاق آرا پس از جنگ ۶ روزه اتخاذ شد و به صراحت خواستار خروج نیروهای مسلح اسرائیلی از سرزمین‌های اشغال شده در جنگ اخیر شد. (www.mideastweb.org). هنوز نیروهای اسرائیلی این مناطق را اشغال کرده و از منابع آب شیرین آن بهره‌برداری بیشتری می‌کنند و به وضوح قوانین بین‌المللی را برای حمایت از منافع ملی خود نادیده می‌گیرند.

دامنه نقض قوانین بین‌المللی توسط اسرائیل همچنان ادامه دارد. کنوانسیون چهارم ژنو تصریح می‌کند که اسرائیل باید منابع آبی به اندازه و باکیفیت برای سرزمین‌های اشغالی فراهم کند. این کنوانسیون همچنین از استفاده مازاد از منابع آب سرزمین‌های اشغالی برای اتباع کشور اشغالگر جلوگیری می‌کند. مهاجران اسرائیلی در کرانه باختری آشکارا این کار را انجام می‌دهند. همین کنوانسیون اعمال تبعیض نسبت به مردم تحت اشغال برای دسترسی به منابع آب شیرین کافی را ممنوع می‌کند. قانون لاهه، به ویژه ماده ۵۵، مانع کشور اشغالگر از بهره‌برداری از منابع آب می‌شود. حفاری آبخوان کوهستان غربی برای استفاده در تل‌آویو نقض گسترده این قانون است. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که توسط اسرائیل امضا شده است مستلزم این است که دولت شرایط مناسب زندگی (از جمله دسترسی به آب شیرین) را برای همه افراد تحت کنترل خود فراهم کند. فلسطینیان قطعاً تحت پوشش این قانون قرار می‌گیرند با این حال، دولت اسرائیل نتوانسته است نیازهای آبی آن‌ها را برآورده کند.

گزارش مربوطه که در سال ۱۹۸۰ منتشر شد بیانگر موارد زیر است:

تغییرات ماهیت جغرافیایی و جمعیت شناختی در سرزمین‌های اشغالی، از جمله اورشلیم که توسط اسرائیل به وجود آمده نقض کنوانسیون چهارم ژنو و تصمیمات مرتبط که توسط شورای امنیت تصویب شده، می‌باشد. منتقدان، به سیاست‌های آبی اسرائیل در قلمرو اشغالی فلسطین به عنوان مانعی برای صلح نگریسته‌اند.

برای حل مسئله و ایجاد یک وضعیت پایدار در منطقه، باید یکی از دو مورد اتفاق بیفتد: یا اسرائیل باید به حاکمیت قوانین بین‌المللی تن دهد و امتیازاتی را برای تسهیل رنج مردم فلسطین فراهم کند یا جامعه بین‌المللی گامی برای اقدام مؤثر بردارد. تنها پس از آن می‌تواند یک روند صلح واقعی بین

اسرائیل و فلسطین آغاز شده و ادامه پیدا کند. سازمان بهداشت جهانی حداقل میزان مورد نیاز آب شیرین برای هر فرد در روز را ۱۰۰ لیتر تعیین کرده‌است. به شهروندان اسرائیلی ۳۵۰ لیتر در روز به ازای هر نفر اختصاص داده شده در حالیکه به فلسطینیان رقم ناچیز ۷۰ لیتر در روز تعلق یافته است. اطلاعات ارائه شده نشان‌دهنده بی‌توجهی کامل دولت اسرائیل نسبت به قوانین بین‌المللی است.

۳-۱۰. ادامه بی‌توجهی به فلسطین

آینده دارای دلایل بیشتری برای نابرابری و فساد در خاورمیانه با توجه به منابع آب است. تا سال ۲۰۵۰، با نرخ رشد جمعیت فعلی (اسرائیل ۱٫۲٪، فلسطین ۳٫۳٪) جمعیت اسرائیل به ۱۲ میلیون نفر و جمعیت فلسطین به ۱۳ میلیون افزایش خواهد یافت. (جنوت و ورمیر، ۲۰۰۶: ۲۵۲). عواملی که می‌توانند این پیش‌بینی‌ها را منحرف کنند بر مهاجرت پناهندگان در سال‌های آتی در داخل و خارج از سرزمین‌های اشغالی متمرکز است. صرف‌نظر از این، جمعیت منطقه در نهایت به‌طور قابل‌توجهی در سال‌های آتی افزایش خواهد یافت. در حال حاضر آب‌های زیرزمینی ساحلی غزه به میزان بالایی از سوی فلسطینیان پمپ می‌شود. اگر بهره‌برداری از منابع ادامه یابد، آب شور دریای مدیترانه آب شیرین را رقیق کرده و غیرقابل استفاده می‌کند. (www.presstv.ir). بدون امکانات نمک‌زدایی کافی در نوار غزه، کمبود آب در آنجا به مرحله بحرانی خواهد رسید و زندگی فلسطینی‌ها را تهدید خواهد کرد.

با این حال، حتی در مورد این مسئله (تأسیسات تصفیه آب)، دولت اسرائیل به جای ارائه حمایت موردنیاز، به‌طور مداوم بی‌اعتنایی و اجتناب نشان می‌دهد. در ژانویه سال ۲۰۰۹، تل‌آویو اجازه اعطای یک دستگاه نمک‌زدایی و ضدعفونی از طرف فرانسه به نوار غزه را نداد. دلیل اینکه امکانات درمانی ضروری در اولین موقعیت باید نصب شود به واسطه بمباران تأسیسات قبلی در طول حمله دسامبر ۲۰۰۸ اسرائیل به غزه بود. بنابراین اسرائیل با خراب کردن تأسیسات موجود مشکل ایجاد کرده و سپس از کمک‌های حمایتی برای بازسازی و پاک‌سازی ذخایر آب خودداری کرد. دولت اسرائیل با نادیده گرفتن مشکلات موجود در طبیعت، به‌طور مؤثر نشان می‌دهد که آماده اعطاء امتیازاتی که منجر به صلحی پایدار در خاورمیانه شود، نیست.

نمونه دیگر از بی‌توجهی کامل اسرائیل، از یک برنامه مخفی که تأسیسات عظیم نمک‌زدایی در ساحل مدیترانه ایجاد می‌کند. نشأت می‌گیرد. این تأسیسات پیشنهادی منابع آب شیرین بیشتری را برای فلسطینی‌ها در کرانه باختری تزریق خواهد کرد. درحالی‌که این ممکن است شبیه یک اشتقاق در سیاست‌های آبی برای اسرائیلی‌ها باشد، بررسی دقیق‌تر این پیشنهاد چیز دیگری را ثابت کرده است. اسرائیل بودجه این پروژه را تأمین نخواهد کرد. آن‌ها برای تأمین بودجه ساخت تأسیسات و همچنین صدها مایل لوله‌کشی به کوه‌های کرانه باختری، اتکاء کاملی به کمک‌کنندگان آمریکایی و بین‌المللی دارند. علاوه بر این، با پمپاژ آب تمام مسیر از دریا به کوهستان، هزینه آب فلسطینی‌ها به‌طور متوسط

سه برابر خواهد بود البته اگر بتوانند آن را از کف زمین زیر پایشان برداشت کنند. (پیرس، ۲۰۰۴: ۶-۷). یافته‌های ارائه‌شده نشان می‌دهند که سیاست‌های آبی اسرائیل در خاورمیانه در حال پایدار کردن درگیری در منطقه هستند. سیاست اسرائیل، مربوط به کسب بهترین زمین و بهترین منابع ممکن برای استفاده خود به هزینه فلسطینی‌ها است.

۴. تجزیه و تحلیل

تحلیل ارائه‌شده در اینجا به‌طور مؤثر تناقض‌هایی را در سیاست اسرائیل در خاورمیانه نشان می‌دهد. اسرائیل با استفاده از روش‌های متعدد به منظور تضمین بقای خود در خاورمیانه، از منابع آب سرقت می‌کند. سیاست‌های آبی باعث ایجاد حس نابرابری در سرزمین‌های اشغالی شده و منجر به تداوم جنگ در منطقه شده است. دولت این سیاست‌های آبی را در تلاش برای تضمین دسترسی کافی به آب‌های شیرین برای مردمش و به نوبه خود، بقای نهایی دولت در منطقه، می‌گیرد. علاوه بر این، روشن می‌شود که سیاست‌های آبی اسرائیل صرفاً ریشه در بقا ندارد. اسرائیل بسیار فراتر از اقدامات لازم برای تضمین بقای خود می‌باشد. اسرائیل منابع آبی بیشتر از نیازهای متداول کشور را به خود اختصاص داده است. واضح است که این کار در تلاش برای تضمین آینده آن انجام می‌شود اما مقیاسی که این کار انجام می‌شود، هدف دیگری از سیاست‌های آبی اسرائیل را نشان می‌دهد: هژمونی (سلطه). اسرائیلی‌ها با قطع منابع آب برای مردم کرانه باختری، به‌طور مؤثری آنجا را محاصره می‌کنند. این باعث نارضایتی می‌شود و احتمالاً می‌تواند یک استراتژی جابجایی اجباری باشد. اسرائیل با ایجاد شرایط زندگی عملاً غیرقابل تحمل برای فلسطینی‌ها، جابجایی اعراب را از فلسطین به دیگر کشورهای خاورمیانه اجبار می‌کند. این امر می‌تواند با موفقیت، کشور اسرائیل را به عنوان یک قدرت بزرگ در منطقه باثبات داخلی یکپارچه تبدیل کند.

در جهان سوم، توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بدون داشتن منابع آب شیرین کافی غیرممکن است. رشد جمعیت کنونی در خاورمیانه همراه با کاهش منابع آبی، باید موجب نگرانی بین‌المللی در منطقه شود. اقدامات قانونی جدید باید به منظور ممانعت سرزمین‌های اشغالی غزه و کرانه باختری از سقوط ژرف‌تر در داخل گودالی که در حال حاضر در آن قرار دارند، انجام شوند. این اقدامات باید توسط دولت اسرائیل حمایت شود که به نوبه خود می‌تواند به ثبات منطقه کمک کند و موجب پایان دادن به درگیری‌های تاریخی که در آنجا رخ می‌دهد شود. راه‌های مختلفی وجود دارند که در آن اسرائیل و جامعه بین‌المللی می‌توانند به این اقدامات ناعادلانه پایان دهند و شرایط انسانی را در کرانه باختری و غزه بهبود بخشند. بدیهی‌ترین راه برای اسرائیل این است که برای فلسطینی‌ها امتیاز استفاده از آبخوان کوهستانی را فراهم کند. اسرائیل می‌تواند از تأسیسات نمک‌زدایی (که برای نصب در امتداد ساحل

مدیترانه مطرح کرده است) برای تعادل در بهره‌برداری فلسطینی‌ها از آبخوان استفاده کند. فراتر از استفاده از مدیترانه به عنوان یک منبع، دولت اسرائیل و دیگر دولت‌های خاورمیانه باید به دریای مرده به عنوان یک محل احتمالی برای تأسیسات نمک‌زدایی نگاه کنند. دریای مرده در دهانه رود اردن قرار دارد و می‌تواند مکان اصلی تأمین آب برای نمک‌زدایی و پمپاژ بیشتر منابع ارزشمند به کشورهای مختلف خاورمیانه به ویژه اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی باشد. راه مهم دیگر برای اسرائیل این است که بهای آب را برای فلسطینی‌ها کاهش دهد تا به قیمت مناسب و هماهنگ با آنچه که اسرائیلی‌ها خودشان می‌پردازند برسد.

شاید مهم‌ترین گام با خود مردم اسرائیل باشد. امروزه حفاظت از محیط‌زیست و حقوق بشر برای حفظ موفقیت‌آمیز جامعه جهانی ضروری است. مردم اسرائیل اگر می‌خواهند صلح در جامعه خودشان و پایان خشونت در منطقه را ببینند، باید حاضر شوند با همسایگان خود صلح برقرار کنند. عدم تمایل به همکاری یا اعطای امتیاز به همسایگان فلسطینی خود، جنگ، خشونت و بی‌ثباتی را به‌طور یکسانی برای اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها تداوم می‌بخشد. جمعیت اسرائیل می‌تواند با برداشتن گام‌های حیاتی برای حفظ آب در داخل، تأثیر عمده‌ای بر روند صلح داشته باشد. اسرائیلی‌ها به اندازه‌ای که اختصاص داده شده، به آب نیازی ندارند. اسرائیلی‌ها به عنوان یک کشور غربی شده، مصرف بالای آب و اتلاف منابع دارند در حالی که فلسطینی‌ها حتی توان دسترسی به منابع را ندارند. اگر اسرائیلی‌ها آب را به نحو مؤثرتری ذخیره کنند، آب کمتری موردنیاز است و بیشتر می‌تواند به جمعیت فلسطینی اختصاص یابد. این موضوع می‌تواند به‌طور بالقوه تنش‌های بین دو گروه را کاهش. علی‌رغم این اقدامات احتمالی برای سیاست‌های آبی در سرزمین‌های اشغالی و اسرائیل، بعید است تغییری در آینده نزدیک اتفاق بیفتد. کشور اسرائیل با نادیده گرفتن قوانین بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی، امتناع از اعطای امتیازاتی به مردم عرب و پویش شدید هر راهی برای بقاء، خود را به عنوان یک نمونه واقعی دولت رئالیستی در جهان امروز به تصویر می‌کشد.

۵. نتیجه‌گیری

دولت اسرائیل با امتناع از گنجاندن حقوق آب در مذاکرات صلح و با دور زدن مداوم توافق‌های پیشین و قوانین بین‌المللی، موضع خود را در خاورمیانه تقویت کرده است. دولت در کسب منابع آبی بیشتر از سفره‌های آب زیرزمینی و منابع آب سطحی به هزینه همسایگان عرب خود موفق بوده است. اقدامات اسرائیل، با هدف حفظ منافع ملی و تضمین بقای دولت، موضع غالبی را بر فلسطینی‌ها در سرزمین‌های اشغالی به وجود آورده است. این مسئله باعث ایجاد بی‌ثباتی، نابرابری و روابط پرتنش در منطقه شده و به‌طور مؤثری منازعه اسرائیل-فلسطین را تداوم می‌بخشد.

منابع

- آلبین، سیسیلیا (۱۹۹۹)، زمانی که ضعیف با قوی مواجه می‌شود: عدالت، عدالت و قدرت در مذاکرات موقت اسرائیل-ساف، مجله مذاکرات بین‌المللی، جلد ۴، شماره ۲، صص ۳۶۷-۳۲۷.
- پیرس، فرد (۲۰۰۴)، اسرائیل ادعای آب‌های فلسطین را دارد، دانشمند جدید، جلد ۱۸۲، شماره ۲۴۴۹، صص ۶-۷.
- تروتیر، جولی (۲۰۰۷)، یک دیوار، آب و قدرت: دیوار حائل "اسرائیل، مجله مطالعات بین‌المللی، جلد ۳۳، شماره ۱، صص ۱۲۷-۱۰۵.
- چنوت، جاناتان و ورمیر، والتر (۲۰۰۶)، سناریوی توسعه برای ۲۰۵۰، برای بخش آب اسرائیل و فلسطین، جمعیت و محیط زیست، جلد ۲۷، شماره ۳، صص ۲۶۱-۲۴۵.
- شمش، موشه (۲۰۰۴)، مقدمه‌ای برای جنگ شش روزه: مبارزه اعراب و اسرائیل برای آب، مجله مطالعات اسرائیل، جلد ۲، شماره ۳، صص ۴۵-۱.
- فردریکسن، هارولد (۲۰۰۳)، آب، استراتژی اسرائیل، پیامدها برای صلح و بقای فلسطین، مجله سیاست خاورمیانه، جلد ۱۰، شماره ۴، صص ۸۶-۶۹.
- لین، یحزل (۲۰۰۰)، آب‌های مورد اختلاف: مسئولیت اسرائیل برای کمبود آب در مناطق اشغالی، مجله رلیژن، جلد ۵، شماره ۹، ص ۶۸.
- مرشایمر، جان (۲۰۰۱)، تراژدی قدرت‌های سیاسی بزرگ، نیویورک، کمپانی نوترون.
- مرشایمر، جان جیمز و والت، استیون (۲۰۰۷)، «لابی اسرائیل: نیویورک: فرار، استراوس و گیرو».
- مک کالین، جسیکا (۲۰۰۲)، شکنجه آبی اسرائیل: بمب و گلوله تنها روش‌های استفاده‌شده توسط اسرائیلی‌ها برای تخلیه فلسطینی‌ها از سرزمین‌های اشغالی نیستند، مجله خاورمیانه، شماره ۳۲۳، ص ۲۰.
- مورگنتا، هانس (۱۹۷۸)، «سیاست بین‌الملل: مبارزه برای قدرت و صلح»، نیویورک: آلفرد اونف، صص ۴-۱۵.
- پرس تی وی (۲۰۰۶)، اسرائیل اجازه دسترسی غزه به آب تمیز را نمی‌دهد، بازنمایی شده از <http://www.presstv.ir/detail.aspx?id=84172§ionid=351020202>
- بلیر، رونالد (۲۰۰۹)، «تصرف آب کشورهای عربی: موانع صلح»، بولتن خاورمیانه، بهار ۱۹۹۴. بازبایی شده ۲۳ جولای از <http://desip.igc.org/TheftOfWater.html>
- ایزوروف، آمی (۲۰۰۱)، اسرائیل سرزمین‌های اشغال شده در جنگ شش روزه، وبسایت خاورمیانه، بازنمایی شده از <http://www.mideastweb.org/israelafter>
- چامسکی، نوام (۱۹۹۶)، صلح دردناک، مجله z، بازنمایی شده از: <http://www.chomsky.info/articles>

- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه شماره ۱۸۱ مجمع عمومی، وزارت امور خارجه اسرائیل، ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷. بازیابی از <http://www.mfa.gov.il/MFA/Peace+Process>
- شورای امنیت سازمان ملل متحد، اسناد تاریخی، قطعنامه ۲۴۲، وبسایت میدل ایست، بازنمایی شده از: <http://www.mideastweb.org>

